در تاریخ ۰۶ اسفند ۱۳۹۱
دروس بیع ـ شرائط متعاقدین

جلسه 66

بسم الله الرّحمن الرّحيم
الحمدلله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

اشکالات محقق نائینی:

فرمایش مرحوم شیخ(علیه الرحمه) را ملاحظه فرمودید، مرحوم محقق نائینی در بحث معاملاتشان در منیة الطالب جلد اول صفحه 391، چند اشکال به مرحوم شیخ دارند:

اولین اشکال این است که می‌فرمایند شیخ تصویر فرمود جریان حکم اکراه را ولو اینکه موضوعاً اکراه صدق نکند در مورد کسی که قدرت بر توریه دارد. شیخ فرموده اگر کسی قدرت بر توریه دارد و ما گفتیم با وجود قدرت بر توریه موضوعاً اکراه صدق نمی‌کند اما حکم اکراه را دارد.

نائینی می‌فرماید «هذا شیءٌ غریب لا یخفی فیه من القرابة» چطور یک عنوانی در یک جایی وجود ندارد اما شما حکم او را می‌خواهید به آنجا بیاورید. می‌فرماید اطلاق «یؤخذ به فی أفراد الموضوع أو احواله» شما وقتی می‌گوئید «اکرم العالم» این عالم هم اطلاق افرادی دارد و هم اطلاق احوالی دارد. هر کسی که عالم است در هر حالی، چه ایستاده چه نشسته چه در خیابان اکرامش واجب است، اما اخذ به اطلاق مشروط به این است که عنوان مطلق در آنجا صدق کند، بگوئیم «هذا عالمٌ» پس احکام عالم بر او بار شود. می‌فرماید شما شیخ اعظم انصاری(اعلی الله مقامه الشریف) چطور تصویر می‌کنید که از یک طرف در صورت قدرت بر توریه صدق اکراه نمی‌کند، یعنی آدمی که قدرت بر توریه دارد موضوعاً از اکراه خارج است اما بعد می‌گوئید اطلاق اخبار و اطلاق فتاوا شاملش می‌شود.

نائینی روی این استدلال شیخ به اطلاق تمسّک می‌کند، شیخ فرمود ما داریم «لا یصحّ طلاق المکره» شیخ فرمود ولو بگوئیم کسی قدرت بر توریه دارد از عنوان مُکره خارج می‌شود اما این لا یصح اطلاقش اینجا را می‌گیرد، این تهافت است. نائینی به شیخ می‌فرماید شما اگر به اطلاق تمسّک نکنید بگوئید یک دلیل خاصّ دیگری داریم که کسی که قدرت بر توریه دارد را ملحق می‌کند به کسی که قدرت بر توریه ندارد، یعنی دلیل خاصّی می‌آید کسی که قدرت بر توریه دارد را حکماً ملحق به اکراه می‌کند، مانعی ندارد. یا شما مرحوم شیخ چون در کلمات شیخ معاقد اجماعات هم بود، اگر بگوئیم اجماع داریم بر اینکه کسی که قدرت بر توریه دارد این حکم مکره را دارد ما حرفی نداریم، این راه از نظر صناعت اجتهادی راه درستی است ولی أنا لکم باثبات هذا و أنا لنا باثبات هذا، چنین چیزی نداریم، نه دلیل خاص داریم و نه اجماع داریم که بگوید اگر کسی قدرت بر توریه دارد اما توریه نکرد، این هم حکم اکراه را دارد، این هم عنوان مکره را مجمل دارد، این اشکالی است که مرحوم نائینی به مرحوم شیخ دارد که به نظر ما قوی و وارد است.

شیخ به اطلاق می‌خواهد تمسّک کند، نائینی همین جا جلوی شیخ را می‌گیرد می‌گوئیم از قدیم هم در اصول خواندیم تمسّک به اطلاق فرع صدق آن عنوان مطلق بر آن مورد است، جایی که بگوئیم قدرت بر توریه دارد عنوان اکراه برایش صدق نمی‌کند ما چطور می‌توانیم اینجا احکام اکراه را بار کنیم؟

از جهت استنباطی شیخ این را فرموده که ما از اطلاق طلاق المکره باطلٌ استفاده می‌کنیم ولو امکان توریه باشد، ولو توریه موضوعاً طلاق را از اکراه هم خارج کند، نائینی اینجا جلوی شیخ می‌ایستد می‌گوید اگر از عنوان اکراه خارج بشود چطور احکام اکراه را می‌خواهی در آن بار کنی، نمی‌شود چیزی عنوان نباشد مع ذلک بگویید حکم این عنوان در اینجا موجود است مگر دلیل خاص، مگر اجماع، اینها بیاید مسئله را تمام کند، این یک مطلب.

اشکال دومی که نائینی دارد این است که شیخ در عبارت فرمود اگر عجز از توریه معتبر بود ما یک روایاتی داریم که در جایی که انسان به خاطر خوف و اضطرار و اکراه باید قسم دروغ بخورد مانعی ندارد. شیخ فرمود اگر واقعاً عجز از توریه معتبر باشد چرا در آنجا تقیید نکردند؟ باید بگویند حلف عن کذبٍ در صورتی است که شما عاجز از توریه باشید، و اگر قدرت بر توریه دارید اول توریه کنید، شما را می‌گویند قسم بخورید که من این مال را برنداشتم، فرض کنید که این مال را هم برداشتید می‌خواهید قسم بخورید، می‌گوئید قسم می‌خورید این مال را (مال چیز دیگری را اراده کنید)، در حالی که در روایات حلف کذب، حلف کاذب چنین قیدی نیامده، این فرمایش شیخ است.

(سؤال و پاسخ استاد):

توریه یک موضوع مسلّم عرفی است، آن وقت شارع حکمش را بیان کرده، اینطور نیست که بگوئیم عرف توریه ندارد. توریه یک امر موضوع عرفی است، این ترتیب بحث را داشته باشید. الآن می‌خواهیم بگوئیم تمسّک بین اطلاقی که شیخ فرموده درست نیست ابدا، جایی که شما می‌گوئید توریه موضوعاً اکراه را خارج می‌کند اینجا درست نیست، حالا مطلب دوم چرا در حلف کاذب عجز از توریه شرط نشده؟ که شیخ این را به عنوان یک دلیل برای این قرار داد که عجز از توریه معتبر نیست.

مرحوم نائینی اینجا اشکال می‌کند می‌فرماید ففیه إنّ عدم الاشارة إلیها فی باب الحلف کاذباً عند الخوف و الاکراه إنّما هو لعدم فایدةٍ للتوریة فی الخروج عن الکذب. خود نائینی و برخی دیگر از آقایان در بحث توریه در بحث مکاسب محرمه یک بحث خیلی مفصلی است که در ذیل بحث کذب مطرح می‌شود، آیا توریه کذب است؟ یکی از مصادیق کذب است یا اینکه توریه دروغ نیست! آنجا تفسیرهایی که برای کذب می‌کنند طبق آن مبانی این نتیجه مختلف می‌شود، نائینی گفته توریه کذب است، از مصادیق کذب است، پس چون توریه خودش از مصادیق کذب است پس لزومی نبود که امام(ع) بفرماید باید توریه کند، خود توریه هم کذب است، امام می‌گوید اگر آنجا خوفی یا اضطراری شد حلف کاذباً مانعی ندارد، یعنی این هم می‌شود حلف کاذب، چرا مقیّد به توریه نشده؟

خودِ شیخ انصاری توریه را کذب نمی‌داند، چون اگر بخواهد توریه را کذب بداند با این حرفش در اینجا سازگاری ندارد، در نتیجه باید بحث کنیم که آیا توریه کذب هست؟ اصلاً حقیقت توریه چیست؟ معنای لغوی توریه چیست؟ معنای اصطلاحی آن چیست؟ آیا توریه فقط در خبر است، در انشائیات که الآن محل بحث ماست که وقتی می‌خواهد کسی یک بیعی را انجام بدهد آیا در انشائیات توریه جریان دارد یا خیر؟ توریه موضوع عرفی است، شرع حکم را باید بیان کند.

در مشروعیت توریه مشهور قائل‌اند به اینکه توریه کذب نیست و مشهور هم قائل‌اند که توریه جایز است، حتی مشهور قائل‌اند به اینکه لازم نیست اضطراری هم باشد، اگر این آدم همینطور در زندگی‌اش توریه کند و اضطراری هم وجود ندارد، مانعی ندارد، نمی‌شود گفت این آدم فاسق است، کذب از او سر نزده! این یک امر ساده‌ی آسانِ سهل و متعارفی که مردم به آن توجه داشته

باشند نیست، حالا الآن بگوئیم شما در این بین توریه کن، اصلاً بلد نیست.

این دلیل دوم را مرحوم نائینی رد می‌کند. دلیل سوم شیخ این بود که اگر توریه مقیّد به عجز باشد چرا پیامبر عمار را متنبه نکرد و نفرمود اول توریه کن، اینجا یک جواب خوبی مرحوم نائینی دارد و یک نکته‌ی مهمی که خیلی از مردم و خیلی از ما طلبه‌ها از آن غافلیم. تلفظ به الفاظ کفر ولو قصد معنا نکنید، یک کسی نعوذ بالله بگوید لله شریکٌ نعوذ بالله، اما قصد معنایش هم نکند! فقها فتوا دادند کثیرشان همین امر حرام است، یعنی الفاظی هستند که خودشان موضوعیت دارند، الفاظ کفر خودش موضوعیت دارد، استعمالش حرمت دارد ولو لم یقصد معناها، این مطلبی است که مرحوم نائینی در ضمن جواب می‌کند، این را ببینید فردا ان شاء الله بحث توریه را خواهیم کرد و جواب مرحوم نائینی را می‌بینیم که آیا این مطلب درست است یا نه؟

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرین